یادداشت ...

تله صداوسیما!

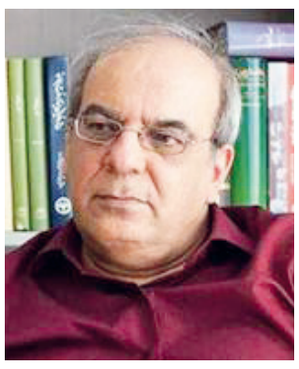

عباس عبدی- فعال سیاسی

اشـــاره به خبر شهادت یحیی سنوار در تلویزیون ایران پس از یک روز از وقـــوع آن، تکان‌دهنـــده بود. نه از این حیـــث که مردم از این خبر بی‌اطلاع مانده بودند، چراکه در همین فاصله هزاران پست و نظر در فضای مجازی و سایت‌های گوناگون حتی رســـانه‌های حکومتی در این مورد منتشـــر شده بود و کســـی نیازی به اطلاع‌رســـانی صدا و سیما نداشت، همچنین اگر کســـی با یک روز تاخیر هم از این خبر مطلع می‌شد مشکلی برایش پیش نمی‌آمد. ولی این تاخیر در اطلاع‌رسانی بسیار عجیب و تاسف‌بار بود. خبری که از لحظه آغاز نشر آن، به عنوان خبری جهانی در خروجی خبرگزاری‌ها و رادیو و تلویزیون‌ها و ســـایت‌ها و شـــبکه‌های اجتماعی قرار گرفت، به‌طوری که سرچ نام ســـنوار در گوگل بر انتخابات امریکا و نامزدهای آن پیشـــی گرفت. این رفتار نشان‌دهنده تصور مخدوشی است که مدیریت این رسانه از آن و جایگاهش دارد، گویی که سیاستگذاران آنجا درک درستی از مفهوم رسانه و خبر ندارند. ابتدا باید پرسید؛ چگونه ممکن است که یک رسانه عریض و طویل با ده‌ها شبکه و... چنین خطایی را مرتکب شود؟ آن هم در حالی که به احتمال قوی اغلب دست‌اندرکاران خبری آن رسانه در همان روز مشغول پیگیری جزییات این ترور بوده‌اند، و شاید هم از آن نیز اطلاع داشته‌اند. پس چرا این خبر را منتشر نکردند، در حالی که می‌دانستند، دیگران از خبر مطلع هســـتند؟ این رفتار محصول تعریفی است که این شبه‌رسانه از کارویـــژه خودش دارد و گمان می‌کند، اگر خبری را اعلام کند، به منزله تایید آن خبر و عمل منجر به آن است و اگر اعلام نکند آن خبر دروغ است. به عبارت دیگر صحت و سقم یک خبر را نه از روی اصل خبر، بله به واسطه روایت صدا و سیما می‌سنجند. این برداشت از سیاست خبری صدا و سیما، نزد مردم هم کمابیش وجود دارد و علت بی‌اعتمادی به خبر نیز همین برداشـــت اســـت. چرا چنین شده است؟ هنگامی که استقلال رسانه و واقعیت خبر و تحلیل را به رسمیت نشناسیم و روایتی که بیان کنیم را اصل و معتبر بدانیم، نتیجه‌ای جز این انتظار نباید داشـــت. به همین دلیل است که مردم نیز خبرهای این رسانه را بیش از آنکه بازتابی از واقعیت بدانند، روایت صدا و سیما می‌دانند، در نتیجه آن را معتبر تلقی نمی‌کنند.

توضیحی که از برخی دست‌اندرکاران این رسانه در مورد خبر سنوار شنیده شده، این است که خبر ترور ازسوی مقاومت و حماس تایید نشده بود. این استدلال دقیقا همان ایرادی اســـت که گفته شد. یعنی رسانه استقلال خبری ندارد، بلکه در نقش روابط عمومی برخی مراکز و نهادها و در اینجا مقاومت، حماس یا حزب‌الله است. گرچه روابط عمومی بودن نقش بدی نیست ولی با نقش رسانه سازگار نیست. در مورد اخبار داخلی هم اغلب همین‌گونه نگاه می‌کنند. اصالت خبر را مشروط به اعلام رسمی فلان نهاد می‌دانند. خب اگر قرار باشد که نقش روابط عمومی را ایفا کنند پس عنوان رسانه این وسط چه کاره است؟ مثلا اخبار زندان را فقط از سازمان زندان‌ها، اخبار اقتصاد را فقط از دولت، اخبار اعتراضات را فقط از وزارت اطلاعات و کشور، اخبار خارجی را هم از وزارت خارجه گرفتن که کار رسانه نیست. رسانه باید در خبررسانی مستقل باشد. عجیب‌ترین نکته در عملکرد صدا و سیما این است که تقریبا از همان زمان وقوع ترور، اطمینان وجود داشت که خبر درست است، لذا بنا به ادعای کسانی که تلویزیون را می‌بینند، پس از گذشت ساعتی در برنامه‌های غیرخبری و حاشیه خبر، خط شهادت را پررنگ می‌کنند و به زبان روشن می‌پذیرند که سنوار شهید شده ولی خبرش را نمی‌گویند. توضیح آنان هم این است که تنها منبع خبر، ارتش اسراییل است. گویی که اگر ارتش اسراییل خبری را گفت لزوما دروغ است یا خبر نیست. خب آنان حداقل این فکر را می‌کنند که دروغی نگویند که آبروی‌شان برود. مگر همه موارد قبلی که گفتند لزوما دروغ بود؟ ضمنا قرار نیست که خبر ارتش اسراییل را تایید کرد. می‌توانید خبرهای گوناگون را بدهید. به علاوه فیلم هم منتشر شده است. هنگامی که خبر ارتش اسراییل را نمی‌گویید، مخاطبان خود را به جای دیگری سوق می‌دهید تا اخبار را از طریق آنان به دست آورند. مگر می‌توان با خبر این‌گونه سوءگیرانه برخورد کرد؟ یک استدلال دیگر این است که خبر را حماس تایید نکرده بود. خب آنها برای عدم تایید، دلایل خودشان را دارند، خبر را تایید نکرده بودند، تکذیب هم که نکرده بودند. به‌علاوه عدم تایید هم خودش یک خبر است و نه چیز دیگری. جالب‌تر از همه نحوه برخورد شبکه العالم صدا و سیماست که به زبان عربی پخش می‌شود. ابتدا خبر ترور را تکذیب می‌کند، پس از مدتی آن را حذف می‌کند، بدون اینکه توضیح دهد که چرا گذاشت و چرا برداشت؟ خب مخاطبان عرب زبان شما چه برداشتی از این نوع خبررسانی خواهند کرد؟ اصلا کسی حاضر است چنین رسانه‌ای را ببیند و به خبرش اعتماد کند؟ مرجعیت رسانه‌ای به این دلیل نابود شده که گمان می‌کنند با بازی خبری می‌توان واقعیت را دستکاری کرد. کلیت ماجرا این اســـت که صدا و سیما در «تله سیاست روایت‌محوری» گیر افتاده است. نقشی که برای خود تعریف کرده‌اند، نقش روابط عمومی است، ولی انتظار دارند که مردم آن را در نقش رسانه ببینند. استقلال حرفه‌ای در اطلاع‌رسانی ندارند، ولی انتظار نتایج استقلال را دارند. مثل داوری که طرفدار پرو پاقرص و حتی افراطی یک تیم است، در عین حال انتظار دارد که در بازی آن تیم داوری وسط باشد و تماشاچیان نیز او را داور بی‌طرف و مستقل ببینند و حتی داوری او را نشانه اوج داوری بدانند. از فوروارد تیم که خودش را روی زمین ولو کرده، می‌پرسد پسرم آیا روی تو خطا کردند؟ می‌گوید بله. دستور اخراج فرد مثلا خطاکار را می‌دهد و یک پنالتی هم به سود تیم محبوب خود می‌گیرد. «روایت‌محوری» آتشی است که به جان رسانه ملی افتاده است. تا صدا و سیما تبدیل به یک رسانه کارآمد و بی‌طرف نشود، هیچ اصلاحی در این کشور رقم نخواهد خورد. فضای مجازی پادزهر ناکارآمدی و مســـمومیت فضای رسانه‌ای کنونی است که آن نیز به دلایل گوناگون مشکلات خاص و فراوان خود را دارد. این مشکلات ناشی از عملکرد نادرست رسانه‌های رسمی است پس نه تنها فیلترینگ راه‌حل فضای مجازی نیست، بلکه تشدیدکننده مشکلات آن است. متاسفانه عده‌ای، هم به لحاظ سیاسی و هم غیرسیاسی از این وضع صدا و سیما بهره‌مند می‌شوند.

عسکری در تشریح نشست کمیسیون کشاورزی:

اعتبارات سال آینده کشاورزی بر اساس عملکرد برنامه هفتم توسعه نیست

سرویس سیاسی –رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس، گفت: اعتبارات بخش کشاورزی در لابودجه سال آینده بر اساس سنجه‌های عملکردی مندرج در برنامه هفتم توسعه نیست و این موضوع حوزه کشاورزی را دچار کمبود می‌کند. محمدجواد عسکری رئیس کمیسیون کشـــاورزی، آب، منابع طبیعی و محیط زیست مجلس شورای اسلامی در تشریح نشست کمیسیون متبوع خود، گفت: بررسی راهبردهای سازمان برنامه و بودجه و وزارت جهاد کشاورزی در خصوص اولویت‌ها، منابع لازم و نحوه تأمین مالی در جهت افزایش سهم بخش کشاورزی از اعتبارات پیش بینی شده در لایحه بودجه سال ۱۴۰۴ به منظور تحقق تکالیف سال اول در قانون برنامه هفتم پیشرفت در دستور کار کمیسیون کشاورزی قرار داشت. وی با تاکید بر اینکه اعتبارات در نظر گرفته شده برای بخش کشاورزی در بودجه سال آینده اصلا قابل قبول نیست، عنوان کرد: اگر وضعیت بخش کشاورزی در لایحه ارائه شده بودجه دولت به مجلس راضی کننده نباشد آن را به دولت بر می‌گردانیم. متاسفانه بر اساس گزارش‌های ارائه شـــده اعتبارات بخش کشـــاورزی در بودجه سال آینده بر اساس ســـنجه‌های عملکردی مندرج در برنامه هفتم توســـعه نیست و این موضوع حوزه کشاورزی را با کمبودهای شدیدی مواجه می‌کند. چالش‌های مالی تأمین کالاهای اساسی در شرکت‌های مباشر وزارت جهاد کشاورزی با حضور مدیرعامل شرکت پشتیبانی امور دام کشور و مدیرعامل شرکت بازرگانی دولتی ایران و نماینده دیوان محاسبات کشور و نماینده سازمان بازرسی کل کشور مورد بررسی قرار گرفت.

چرا مخالفان دولت زیر یک خم جواد ظریف را گرفته‌اند؟

■ محمدجواد ظریف فعال‌ترین وزیر دولت حسن روحانی و به نوعی نماد این دولت بود، ظریف بخاطر مدل خاص سیاست ورزی و تسلط اش به رسانه و افکار عمومی همیشه جزو ۱۰ سیاستمدار محبوب ایران در دهه گذشته بوده است اما به نظر می‌رسد بعد از غیبت سه ساله ظریف در دوره دولت رئیسی، حضور دوباره او در دولت مسعود پزشکیان با چالش‌های جالب و بی سابقه ای روبرو شده است.

سرویس سیاســـی –واقعیت این است ظریف برای اصولگرایان تندرو و نوانقلابی ها نماد مذاکره با آمریکا و رویدادهایی مثل برجام است که از دیدگاه آنان مخالف اصول و آرمان های انقلاب اســـلامی است به همین خاطر حضور نیم بند ظریف در کابینه پزشکیان بعد از افت و اخیزها و قهر و آشـــتی ها همچنان نقطه کانونی و تمرکز این طیف است. تلاش‌های چندساله ســـوپرانقلابی ها برای حـــذف محمدجواد ظریف از صحنه سیاســـی، از حملات رســـانه‌ای و شخصی تا فشـــارهای قانونی، همچنان ادامـــه دارد. این گروه اصول‌گرا، با استفاده از استراتژی‌های پیچیده و هدفمند، سعی دارد تا چهره‌ای سازش‌کار و مغایـــر با منافع ملی از ظریف ارائه دهد و نفوذ او را در دولت چهاردهم به چالش بکشـــد. در همه دولت ها شخصی از نزدیکان و همفکران رئیس جمهور معمولا به عنوان یک ســـبیل و هدف سیاسی مورد حمله شدید مخالفان قرار می گیرد، مثلا در دولت هاشـــمی رفسنجانی، عطاءالله مهاجرانی چنین بود در دوره خاتمی، عبدالله نوری، دولت احمدی نژاد، مشایی و در دولت روحانی ســـریع القلم و تا حدی ظریف و در دولت رئیســـی، شاید این فرد بیشتر خود رئیس جمهور یا همسرش جمیله علم الهدی بود. از آغاز دوران وزارت محمدجواد ظریف در وزارت خارجه دولت روحانی، برخی جریان‌های اصول‌گرا، به‌ویژه ســـوپر انقلابی ها، همواره در تلاش بودند تا او را از صحنه سیاسی حذف کنند. این تلاش‌ها، به‌ویژه در دوران مذاکرات هســـته‌ای و اکنون در نقش وی به عنوان رئیس شورای راهبردی دولت چهاردهم، به اوج خود رسیده است. از یک دهه پیش، سوپرانقلابی های عصبانی با مذاکرات هسته‌ای و توافق برجام مخالفت داشـــت. این گروه، از جمله شخصیت‌هایی همچون حمید رسایی و امیرحسین ثابتی، تلاش کردند برجام را به‌عنوان توافقی مضر برای منافع ملی ایران جلوه دهند. آن‌ها ظریف را به‌عنوان یک سازش‌کار معرفی کردند که حاضر است امتیازهای بزرگی به غرب بدهد. رسایی و دیگر نمایندگان این طیف، از تریبون‌های مختلف، از جمله صداوسیما، علیه مذاکرات و تیم مذاکره‌کننده ســـخنرانی کردند و حتی به افشای جزئیات جلسات پرداختند. اما اینک؛ در ماه‌های نخست فعالیت مجلس دوازدهم، برخی نمایندگان منتسب به جریان نوانقلابی، با هدف کســـب قدرت بیشـــتر و بازگرداندن نفوذ و قدرت از دســـت رفته در دولـــت، تلاش‌هایی انجام دادنـــد. برکناری محمدجواد ظریف یکی از مهم‌ترین اولویت‌های این گروه است. آن‌ها تلاش دارند نه‌تنها مواضـــع خود را در مجلـــس تثبیت کنند، بلکه کنترل کامل بر فضای سیاســـی و اجرایی کشور را به دست گیرند. به‌عنوان نمونه، رسایی در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشته بود: «در جلسه دیشب نمایندگان تهران با رئیس‌جمهور از ابقای غیرقانونی ظریف در جایگاه معاونت ریاست‌جمهوری پرسیدم. پزشـــکیان پاســـخ داد، آقای ظریف بیرون مانده بود، اپوزیسیون ما می‌شـــد. داخل دولت که باشد، کنترل می‌شـــود.» این پیام و آژیتاســـیون رسانه‌ای (برجسته ســـازی)، نشـــانگر استفاده جریان ســـوپر انقلابی از رســـانه‌ها و تاکتیک‌های رسانه‌ای برای افزایش فشار بـــر دولت و نهادهای حاکمیتی بود. با این وجود این، توئیت رسایی تاکنون با پاسخی از سوی دولت مواجه نشد. انتخاب حمید رسایی به‌عنوان رئیس کمیته هنر، رســـانه و فضای مجازی و امیرحسین ثابتی به‌عنوان رئیس کمیته دیپلماسی فرهنگی مجلس، بُعد دیگری از تلاش‌های ســـوپر انقلابی ها برای بازسازی خود و افزایش نفوذ در فضای مجازی و کسب قدرت بیشتر اســـت. سوپر انقلابی ها تنها به انتقاد از سیاست‌های ظریف اکتفا نکردند، بلکه شخصیت و سابقه او را نیز مـــورد حمله قرار دادند. آن‌ها ظریف را به‌عنوان فردی که به منافع ایران پشت کرده و منافع غرب را ارجحیت داده، معرفی کردند. این حملات شـــخصی بخشی از راهبرد کلان ســـوپر انقلابی ها برای کاهش حمایت عمومی از ظریف و ایجاد شکاف در بدنه دولت بود.

تلاش‌های جریـــان ســـوپرانقلابی و تندرو برای حذف محمدجواد ظریف، بخشـــی از یک اســـتراتژی چندلایه و پیچیده اســـت که در سطح سیاسی و رســـانه‌ای اجرا شده است. این جریان، با استفاده از تاکتیک‌های مختلف از جمله فشار رســـانه‌ای، حملات شخصی و تلاش‌های قانونی، سعی در کاهش نفوذ ظریف و حتی حذف کامل او از معادلات سیاسی دارد.

اخیراً، مخالفت با ظریف به‌دلیل قانون محدودیت حضور افراد دارای تابعیت دوگانه در مشاغل حساس، به یکـــی از محورهای اصلی انتقادات تبدیل شـــده است. در این خصوص پایداری‌ها تلاش دارند از این موضوع برای حذف ظریف از دولت اســـتفاده کنند. هرچند ظریف تاکید کرده که تابعیت خودخواســـته نبوده اســـت، اما مخالفان او از این موضوع برای فشار بیشـــتر اســـتفاده می‌کنند. در حالی که در پاسخ به این مســـائل، رئیس‌جمهور، لایحه‌ای برای اصلاح قانون نحوه انتصاب افراد در مشـــاغل حساس به مجلس با قید فوریت ارســـال کرد که با اعتراض رسایی روبرو شـــد و گفت: «از رئیس‌جمهور می‌خواهم که قانون را اجـــرا کنند». در این میان، تضادهای جالبی نیز دیده می‌شـــود. برخی اعضای این طیـــف، مانند مرتضی آقاتهرانی که دارای گرین کارت آمریکا بود، با توجیهاتی مختلف این موضـــوع را کمرنگ جلوه می‌دهند. این تضاد نشـــان می‌دهد که قوانین به‌عنوان ابزاری برای تسویه‌حساب‌های سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

رســـانه‌ها و برنامه‌های تلویزیونـــی نزدیک به جریان نوانقلابی، نقش برجسته‌ای در تقویت فضای ضد ظریف داشتند. این رسانه‌ها با انتشار اخبار منفی و گزارش‌های مغرضانه، سعی در تحریک افکار عمومی علیه ظریف داشتند. آن‌ها نه‌تنها سیاست‌های هسته‌ای ظریف را هدف قرار دادند، بلکه سعی کردند چهره‌ای غیرقابل اعتماد که از فیلترهای نهادهای مختلف نظارتی گذشته است، از او به نمایش بگذارند. رسانه‌ها، نقش مهمی در شـــکل‌گیری افکار عمومی علیه ظریف ایفا کردند و باعث شـــدند بســـیاری از اقدامات مخالفان سیاسی ظریف نیز از همین رسانه‌ها الهام بگیرد.

جریان سوپر انقلابی نه‌تنها از ابزارهای رسانه‌ای برای حذف ظریف اســـتفاده کرد، بلکه در مجلس نیز بارها تلاش‌هایی برای حذف او انجام دادند. از جمله این تلاش‌ها می‌توان بـــه ارائه طرح‌های عدم کفایت سیاســـی و درخواســـت‌های مکرر برای عزل او در حال و اســـتیضاح وی در گذشـــته اشاره کرد. اگرچه هیچ‌یک از این طرح‌ها موفق به برکناری ظریف نشد، اما بخشی از استراتژی بزرگ‌تر آنها برای محدود کردن قدرت اصلاح‌طلبان در دولت بود. اما دولت پزشکیان براساس شعار وفاق ملی خود نیز با استفاده از رویکردی جدیـــد تلاش کرد با جلـــب همکاری‌های مختلف، تنش‌هـــای موجـــود را کاهش دهد. به‌عنـــوان مثال، انتخاب استانداری همچون مهدی جمالی‌نژاد، از طیف جریان سوپر انقلابی و با داشتن حامی ویژه چون امیرحسین بانکی پور نماینده موثر لایحـــه عفاف و حجاب، نشـــانه‌ای از تلاش برای شـــنیدن صدای جناح‌های مختلف، از جمله تندروها، به گفته سخنگو دولت است. ظریف نیز با اعلام حمایت از استاندار جدید، در سفرش به اصفهان گفت: «استاندار جدید را از خودمـــان بدانیم. این اســـتاندار نماینده دولت پزشـــکیان اســـت و نماینده یک قشر خاص نیست و من به عنوان کسی که ۲۰ سال است ایشان را می‌شناســـم، این را می‌گویم» بر این تلاش‌ها صحه گذاشـــت. تلاش‌های جریان سوپرانقلابی و تندرو برای حذف محمدجواد ظریف، بخشـــی از یک استراتژی چندلایه و پیچیده است که در سطح سیاسی و رسانه‌ای اجرا شده است. این جریان، با استفاده از تاکتیک‌های مختلف از جمله فشار رسانه‌ای، حملات شخصی و تلاش‌های قانونی، سعی در کاهش نفوذ ظریف و حتی حذف کامل او از معادلات سیاسی دارد. همانطور که در مقدمه ذکر شد، سیاست‌های ظریف که مبتنی بر تعامل با جهان است، به شـــدت با دیدگاه‌هـــای انقلابی و ضدغربی جریان سوپر انقلابی در تضاد است. این تضاد ایدئولوژیک، باعث شـــده است که سوپر انقلابی ها به دنبال حذف ظریف به هر قیمتی باشـــند. هرچند این تلاش‌ها در نهایت باعث محدودیت‌هایی برای ظریف شـــد اما با رایزنی‌ها قوا و نهادهای بالادســـتی برای ایجاد تعادل و مانع از تشـــدید اختلافـــات و تندروی‌ها، دوباره به دولت برگشت. در مقابل، نوانقلابی های خشمگین نیز با استفاده از ابزارهای مختلف، همچنان به تلاش خود برای حذف نیروهای اصلاح‌طلب از صحنه سیاســـی ادامه می‌دهند. این تحولات نشـــان می‌دهد که فضای سیاسی کشور در ســـال‌های اخیر به شدت دوقطبی شده و جناح‌های مختلف با استفاده از قوانین و نفوذ در نهادهای حکومتی، به‌دنبال کسب برتری هستند. نوع برخورد مسعود پزشکیان با چالش ظریف و نهایتا صبر و هزینه ای که دولت پزشـــکیان برای این یار قدیمی! می دهد، نهایتا سرنوشـــت آتی محمدجواد ظریف را مشخص خواهد کرد.

مجلس با افزایش هزینه‌ها و تثبیت قیمت، ناترازی را تشدید می کند!

ســـرویس سیاســـی –اصـــول حاکـــم بر سیاســـتگذاری به‌ویژه در مجلس مبتنی بر افزایش هزینه‌ها و مصارف و مهار و تثبیت قیمت‌ها اســـت. ایـــن رویکرد ابتدا موجب ناتـــرازی در بودجه و از این طریق افزایش تورم می‌شـــود. سپس به ناترازی صندوق‌های بازنشســـتگی و نیز ناتـــرازی ارزی و حساب جاری پرداخت‌های خارجی منجر می‌شود و قیمت ارز را بالا می‌برد و کافی اســـت یک شوک سیاسی مثل تحریم یا درگیری نظامی هم رخ دهد و قیمت ارز جهشی بالا رود. رئیس‌جمهور به مسئله مهمی اشاره کرد که تاکنون از سوی مسئولان کشور کمتر اظهار شـــده اســـت. وی گفت: «بانک‌ها چرا ناتراز شده‌اند؟ مصوباتی که ما در مجلس گذاشتیم و تعهداتی که مجلس به گردن دولت‌ها گذاشـــته با واقعیت همخوانی ندارد. می‌گویند کسانی که ازدواج کرده‌اند، این قدر وام بدهید به تولد، اینقدر وام بدهید به فلانی، کمک کنید و این‌ها را هم بیمه کنید. پول از کجا باید تأمین شود؟ دولت بدهکار درست کرده‌ایم و ناتـــرازی در بانک‌ها، ناتـــرازی در صندوق‌ها و ناترازی‌های دیگر به وجود آمده است. ما مدام سعی می‌کنیم این مشکلات را پنهان کنیم. اول باید بدانیم کجا ایستاده‌ایم؛ وضعیت ما با این ناترازی‌ها خوب نیست، اما این به معنای آن نیست که نمی‌توانیم از این وضعیت خارج شویم.» جمله کلیدی آقای پزشکیان اما آنجایی بود که گفت: «سعی می‌کنیم مشکلات را پنهان کنیم». در واقع، این ویژگی ساختاری نهادهای سیاسی ما است که شجاعت مواجهه با مشکلات را ندارند. حتی خودشان یکی از عوامل اصلی تشدید آنهـــا هســـتند و این کار را از طریـــق نادیده گرفتن مشکلات انجام می‌دهند. بدون تردید همه ناترازی‌ها ریشه در تصمیمات رسمی به‌ویژه قانون بودجه دارد. قیمت‌گذاری دســـتوری، پرداخت وام‌های تکلیفی گسترده، تخصیص منابع انرژی به امور کم‌اهمیت، سیاســـت‌های توزیع آب و کلاً توزیع رانت، اضافه کردن مصارف بودجه‌ای بدون وجود منابع درآمدی، تغییر سیاســـت‌ها و مقررات بازنشســـتگی بدون توجه به ظرفیت‌هـــا و تبعات بیمه‌ای آنها و... یکی از نمونه‌های روشـــنی که آقای رئیس‌جمهور اشاره کـــرده، پرداخـــت وام‌هـــای ازدواج و فرزندآوری اســـت. البته، از این نوع وام‌های تکلیفی که موجب ناترازی بانکی و پولی شده است، باز هم وجود دارد. قانونگذار هنگام تصویـــب قانون اندکی هم توجه نمی‌کند که آیا چنین ظرفیتی در نظام بانکی کشـــور وجـــود دارد که صدها «همت» را برای پرداخت وام فرزندآوری تصویب می‌کند؟ به‌علاوه، فرض کنید چنین ظرفیتی باشـــد؛ تبعات اقتصادی و تورمی آن چیست؟ مهمتر اینکه، آیا به افزایش زاد و ولد منجر شده اســـت یا خیر؟ عادت به پنهان‌کاری و نادیده گرفتن مشکلات ریشه در یک واقعیت سیاسی دارد. به قول یکی از اقتصاددانان برجسته کشور، هنگامی که روند و وضعیت ناترازی‌های ایران را می‌بینیم و تحلیل می‌کنیم گویی یک مغز برنامه‌ریزی آگاهانه در حال تشدید این ناترازی‌هاست. شاید به همین دلیل است که اصولاً ناترازی را یا مشکل نمی‌دانند یا اگر هم بدانند، آن را نادیده می‌گیرند چون نمی‌شود که آن را مشکل دانست و دید، ولی نه‌تنها اقدامی برای حل آن نکرد بلکه بدتر از آن، سیاست‌هایی را پیشه کرد که به تشدید ناترازی‌ها کمک کند. اصول حاکم بر سیاستگذاری به‌ویژه در مجلس مبتنی بر افزایش هزینه‌ها و مصارف و مهار و تثبیت قیمت‌هاست. این رویکرد ابتدا موجب ناترازی در بودجه و از این طریق افزایش تورم می‌شود. سپس به ناترازی صندوق‌های بازنشســـتگی و نیز ناترازی ارزی و حساب جاری پرداخت‌های خارجی منجر می‌شـــود و قیمت ارز را بالا می‌برد و کافی اســـت یک شوک سیاسی مثل تحریـــم یا درگیری نظامی هم رخ دهد و قیمت ارز جهشی بالا رود. این امر به نوبه خود مصارف دولت را با افزایش مواجه می‌کند و به بانک‌ها فشـــار وارد می‌شـــود. در کنار اینها و با ثابت ماندن قیمت‌های حامل‌های انرژی و نان و ســـایر خدمات و کالاهای دولتـــی ناترازی میان تولید و مصرف آنها تصاعدی بالا مـــی‌رود. صادرات آنها کـــم و نیازمند واردات بیشتر می‌شـــویم و این دایره معیوب همچنان ادامه خواهد یافت. در این میان، همه چشم‌ها به‌سوی فرد شجاعی است که حقیقت مشکلات را بگوید و این تازه آغاز تنش است؛ چون فریاد همه ذینفعانی که از این فرآیند معیوب ارتزاق می‌کنند و منتفع می‌شوند، بلند خواهد شد.

هاشمی‌طبا فعال سیاسی اصلاح‌طلب:

جلوگیری از اسراف و تبعیض باید گفتمان دولتمردان باشد

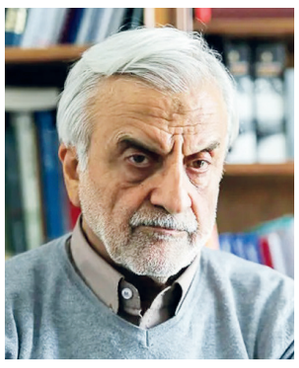

سرویس سیاســـی – یـــک فعال سیاسی اصلاح‌طلب گفت: اگـــر گفتمـــان دولت بـــه معنای صرفه‌جویی، جلوگیری از قاچاق و راســـتگویی به مردم باشد، مردم خواهنـــد پذیرفت و اقتصاد هم به همین سادگی اصلاح خواهد شد. اگـــر به مردم واقعیـــت را بگویند دیگر نیازی به اصلاحات اقتصادی نیســـت. بنابرایـــن جلوگیری از اســـراف و تبعیض بایـــد گفتمان دولت باشد.

سیدمصطفی هاشمی‌طبا فعال سیاسی در پاسخ به این سوال که ارزیابی شـــما از رویکرد وفاق دولت آقای پزشکیان تا این مدت به چه صورت بوده است، گفت: کارهایی که انجام می‌شود به دلیل نبود مدیر است. به نظر می‌رسد آقای پزشکیان در برخی حوزه‌ها یک عده را با گرایش‌های مختلف انتخاب کرده و آن‌ها هم هیچ تعهدی به کاری که باید انجام دهند و اینکه چه روشی را اتخاذ کنند، ندارند. به نظر من با این کار مسیر دولت، راه مشخصی نداشته و به نظر من تبدیل به یک شرکت سهامی شده که پراکنده‌کاری است و از همه مهم‌تر وزارت‌خانه‌های مختلف هیچ دیدگاه و یا گفتمان مشخصی ندارند و مشخص نیست چه گفتمانی را می‌خواهند پیاده کنند.

هاشمی‌طبا در ارزیابی انتصاب مدیران میانی به ویژه در سطح استانداران گفت: وقتی وزیری اینگونه برای وزارت‌خانه‌ای انتخاب می‌شـــود، مدیران کل و اســـتانداران نیز خیلی قابل جمع‌بندی نیســـتند. گویی کشور مثل یک شـــرکت سهامی می‌خواهد اداره شود. وقتی یک رئیس‌جمهوری، مدیران یا استاندارانی را می‌خواهد انتخاب کند، آن فرد باید طبق منویات رئیس‌جمهور که به تصویب هیئت وزیران هم می‌رســـد، کار کند. حالا در انتخاب‌هایی که انجام گرفته نوعی بی‌سلیقگی هم شکل گرفته است.

وی در پاسخ به این سوال که دولت برای کسب جلب رضایت مردم چه اقداماتی را باید انجام دهد، گفت: حرف من این است که آقای پزشکیان طبق چیـــزی که در رقابت‌های تبلیغاتی خـــود گفتند، حقیقت را به مردم بگویند. همین کار برای رضایت مردم کافی اســـت. شـــما ببینید قاچاق بنزین چگونه است که سالانه ۲۰ میلیون لیتر قاچاق می‌شود. بنزین که در اختیار وزارت نفت است، چطور می‌شود که می‌ایستد و نگاه می‌کند؟ این در حالی است که بنزین وارد کشور می‌شود و از طرف دیگر قاچاق می‌شود. این موضوع برای مردم ســـوال است. بنابراین نباید این طور باشد که دولت برخی را راست بگوید و برخی را نگوید. یعنی ۱۰ درصد راست بگوید و ۹۰ درصد را نگوید. بنابراین طرح واقعیت مطالب خیلی می‌تواند در جلب رضایت مردم تاثیرگذار باشد.

هاشـــمی‌طبا در پاســـخ به این ســـوال که دولت برای انجام اصلاحات اقتصـــادی چه کارهایی باید انجام دهد تا مردم انجام اصلاحات اقتصادی را بپذیرند، گفت: اگر گفتمان دولت به معنای صرفه‌جویی، جلوگیری از قاچاق و راســـتگویی به مردم باشـــد، مردم خواهند پذیرفت و اقتصاد هم به همین ســـادگی اصلاح خواهد شـــد. یعنی در صورت جلوگیری از رانت، قاچاق، جلوگیری از ریخت و پاش‌ها توســـط سیســـتم و اینکه به نوعی کار کنند که مردم مجبور شـــوند که اســـراف نکنند، دولت و سازمان‌های مربوطه اسراف نکنند، اقتصاد ما اصلاح می‌شود.

وی افزود: اشـــکال ما این اســـت که در ۴۰ سال گذشته در کشوری که فضای جنگ در مقاطع مختلف بر آن حکم بوده اســـت، تمام این مواردی که گفته شـــد هم وجود داشته است. یک نمونه آن قاچاق بنزین است که سالانه ۲۰ میلیون لیتر بنزین قاچاق می‌شود این میزان از نازل پمپ بنزین که بیرون نمی‌آید. بنابراین معلوم اســـت، سیســـتمی وجود دارد که این کار را هدایت می‌کنـــد. اگر به مـــردم واقعیت را بگویند دیگر نیازی به اصلاحات اقتصادی نیست. بنابراین جلوگیری از اسراف و تبعیض باید گفتمان دولت باشد.

هاشـــمی‌طبا درباره مهم‌ترین چالش دولت برای شکل‌گیری ایده وفاق گفت: این چیزی که شاهدش هستیم وفاق نیست و وفاق با وضعیت موجود حاکم نمی‌شود و رقبای دولت عقیده و تفکرات خودشان را تغییر نمی‌دهند. بـــه نظر من اگر بتوانند وحدت ایجاد کنند، خیلی مهم اســـت. وحدت یعنی آنکه خط مشی سیاست مشخص باشد افراد با جناح‌های مختلفی که می‌آیند به آن خط مشی که مشخص شده تعهد داشته باشند. بنابراین باید خط مشی، سیاست، کارها و روش انجام کار به طور مشخص اعلام شود تا هرکسی از هر جناحی که می‌آید به این کار تعهد داشته باشد و این تبدیل به وحدت می‌شود. مثلا ما در مورد شیعه و سنی حرف از وفاق نمی‌زنیم می‌گوییم وحدت شیعه و سنی این مورد هم همین گونه است.

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس مطرح کرد؛

ضرورت استفاده از ظرفیت سرمایه‌داران ایرانی خارج از کشور

ســـرویس سیاسی – عضو کمیســـیون امنیت ملی و سیاست خارجـــی مجلس بـــر ضرورت اســـتفاده از ظرفیت سرمایه‌داران ایرانی خارج از کشور تاکید کرد.

فداحســـین مالکی با اشاره به اســـتفاده از ظرفیت ایرانیان خارج از کشـــور که در هر حوزه‌ای فعال هستند، گفت: در حال حاضر چند میلیون نفر شـــهروند ایرانی ساکن خارج از کشـــور داریم که بخشی از آن‌ها سال‌ها است در حوزه‌های اقتصادی فعال هستند و می‌توانند ارتباط تنگاتنگی با بخش خصوصی کشورمان داشته باشند.

عضو کمیســـیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه بخشی از ایرانیان ساکن خارج از کشور نیز از چهره‌های علمی و افتخارات دنیا هســـتند، عنوان کرد: این افراد به هر دلیلی در زمان‌های مختلف از کشـــور خارج شده‌اند و علیرغم میل باطنی درباره بازگشت به کشور، دلهره دارند در حالی که نگرانی وجود ندارد.

وی افزود: برخی از این افراد مشکلات سیاسی، حقوقی و یا شخصی دارند که به راحتی می‌توان با پیگیری آن‌ها، مســـائل را حل و زمینه برای بازگشت و تردد آن‌ها به کشور را فراهم کرد.

مالکی ادامه داد: توجه مجلس، دولت و قوه قضاییه به این مســـئله بســـیار کارگشا است و نمایندگانی از دستگاه‌های مربوطه کشورمان می‌توانند به خارج از کشور اعزام شده و جلساتی با این افراد به خصوص سرمایه داران داشته باشند تا مسائل حل شده و زمینه حضور آن‌ها در کشور و سرمایه‌گذاری در ایران نیز برای آن‌ها فراهم شود.

وی بیان کرد: برخی از سرمایه گذاران ایرانی ساکن کشورهای خارجی، به حدی تأثیرگذارند که می‌توانند اقتصاد این کشورها را تحت الشعاع قرار دهند از این رو ما باید از ظرفیت آن‌ها استفاده کرده و با دعوت آن‌ها به سفارتخانه‌ها تلاش کنیم تا مسائل و مشکلات حضورشان در کشور برطرف شود.

صنایع چوب حلاج کیش
کلیه سفارشات
MDF، چوبی
دکوراسیون غرفه و منزل
تلفن: ۷۶۹۸۲۵۲۰